

«بررسی جامعه‌شناختی فاصله اجتماعی بین شهروندان بومی با اقلیتهای غیر بومی در شهر بندرعباس»

منصور اخلاقی پور *

چکیده

بررسی جامعه‌شناختی فاصله اجتماعی بین شهروندان بومی با اقلیتهای غیر بومی در شهر بندرعباس بر اساس طیف بوگاردوس با حجم نمونه‌ای ۱۴۹ نفری در بین شهروندان بومی بندرعباس به انجام رسیده است. در این پژوهش که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای به انجام رسیده است، طیفی با ۷ گویه نگرش شهروندان را نسبت به ۵ گروه اقلیتی ساکن در شهر مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان داد که شهروندان بومی نسبت به شیرازیهای مقیم بندرعباس به نسبت سایر اقلیتهای تمایل مثبت بیشتری داشته‌اند و کمترین میزان تمایل نسبت به کرمانیهای مقیم بندرعباس بوده است، ضمن آنکه نتایج تفصیلی تر نشان می‌دهد که ۹۲٫۶ درصد از بومیها تمایل دارند با غیر بومیها "رابطه دوستی" داشته باشند تا رابطه خونی و همسایگی و در این رابطه بیشترین تمایل به دوستی با شیرازیها و آبادانیها وجود دارد.

کلید واژه‌ها: شهروند بومی، فاصله اجتماعی، نگرش

۱. مقدمه

شهر بندرعباس به عنوان مرکز استان هرمزگان با توجه به مورفولوژی شهری و ترکیب فرهنگی از ویژگی‌های منحصر بفردی برخوردار می‌باشد که آنرا از سایر شهرهای استان و بلکه کشور متمایز می‌سازد، بندری بود و واقع شدن دوبریز بزرگ تخلیه و بارگیری کشور و بهرورداری از تمامی ناوگان حمل و نقل ریلی، هوایی، جاده‌ای و دریایی و رشد صنایع و خدمات به تبع نقش محوری این شهر در ترانزیت بیش از ۷۰ درصد از واردات کشور و موقعیت استراتژیک آن به لحاظ دسترسی به

منابع انرژی و بازارهای جهانی موقعیتی را ایجاد نموده است تا بندرعباس از نظر اهمیت و جایگاه در کشور بی نظیر باشد مضاف برآنکه افق پیش روی کشور در توسعه لزوم توجه هرچه بیشتر به بندرعباس را پیش روی هر تحلیل گرمسائل اقتصادی و اجتماعی قرار می دهد.

باین وصف مبرهن است جامعه شهر بندرعباس متأثر از المانهای اقتصادی و به تناسب تغییرات رنگ و لعاب دیگری بگیرد، رشد اقتصادی به تبع سرمایه گذاری های به انجام رسیده از دهه ۷۰ به بعد در استان زمینه رشد جمعیتی و گسترش شهر را بهمراه داشته است، بطوریکه شهر بندرعباس نسبت به دهه ۶۰ نزدیک به ۳ برابر به لحاظ فیزیکی رشد سطحی را تجربه نموده مضاف برآنکه جمعیت آن نیز افزایش زیادی را تجربه نموده است، افزایش جمعیت ناشی از مهاجرت به شهر بندرعباس بدنبال خود آسیب ها و فرصتهایی را فراهم نموده است که یکی از این آسیبها ایجاد فاصله اجتماعی و روانی بین شهروندان و ساکنین بومی و افراد غیر بومی شهر می باشد که این امر ضمن فراهم آوردن زمینه برای شکل گیری نگرشها^۱ در این مقاله از منظر جامعه شناسی به بررسی فاصله اجتماعی و روانی بین شهروندان بومی با ساکنین غیر بومی شهر با استفاده از طیف بوگاردوس پرداخته شده است.

آنطور که لوئیس ورث در مقاله «شهرگرایی به عنوان شیوه ای از زندگی» اشاره می کند، شهر عبارتست از جایگاه نسبتاً بزرگ، متراکم و دائمی سکونت افرادی که به لحاظ اجتماعی و فرهنگی ناهمگونند. (توسلی: ۱۳۷۰: ۸۶: به نقل از حسامیان)

در حال حاضر آنچه در این مقاله پژوهشی بدنبال آن هستیم ارائه تصویری روشن از بخش از ناهمگونی موجود فرهنگی در شهر بندرعباس است که نگرش شهروندان به یکدیگر یکی از وجوه آن است و از آنجائیکه ترکیب جمعیتی موجود در شهر بندرعباس منجر به زیست اجتماعی انسانهایی با خرده فرهنگ های متعدد^۲ با تجربیات متمایز در فضاهای جغرافیایی و فرهنگی غیر از استان هرمزگان و شهر بندرعباس گردیده است لذا بررسی پیامدها و آثاری که چنین همزیستی فرهنگی بدنبال خواهد داشت لزوم انجام پژوهش ها و مطالعات چند رشته ای^۳ را در حوزه شهر بندرعباس بیش از گذشته مبرهن و آشکار می کند.

۲. مطالعات پیشین

نمونه اول

در سال ۱۹۲۵ بوگاردوس^۴ برای اندازه گیری نگرش ها در مورد اقوام مختلف در ایالات متحده که بعد از اتمام جنگ اول جهانی به آن کشور مهاجرت کرده بودند اقدام به طراحی مقیاس فاصله اجتماعی نمود، در واقع بوگاردوس بدنبال بررسی شیوه سنجش میزان تمایل و یاعدم تمایل آمریکایی ها و اقوام مختلف نسبت به یکدیگر بود لذا با طراحی طیفی هفت قسمتی که معرف پذیرش کامل تا عدم تمایل (انزجار) بود و از او خواسته می شد تا نظر خود را نسبت به گروه های منتخب اعلام نماید برای اینکار ۷ گویه^۵ بر اساس ارزشهای اجتماعی آن زمان جامع آمریکا طراحی و از نمونه ۱۷۲۵ نفری از شهروندان آمریکایی خواسته شد تا نظر خود را درباره چهار اقلیت قومی مختلف در آمریکا که حضور پررنگتری در این کشور داشتند ارائه نمایند. این ابزار سنجش بعدها با

نام خودش یعنی "طیف بوگاردوس" شهرت یافت وبعنوان یکی از روش‌های سنجش در تحقیقات روان‌شناسی اجتماعی وجامعه‌شناسی مطرح گردید.

نتایج مطالعه بوگاردوس نشان داد که آمریکایی‌ها بیشترین نگرش منفی را نسبت به اقلیت قومی کره‌ای‌های ساکن در امریکا (۲۷۶) دارند و پس از آنها لهستانی‌ها (۵۸۷) قرار دارند و بیشترین ارزیابی مثبت از اقلیت انگلیسی‌های (۱۴۴۰) ساکن در آمریکا و سوئدی‌ها (۱۱۳۹) بود.

نمونه دوم

در ایران اولین پژوهش دقیق و مبتنی بر شیوه‌ای علمی در سال ۱۳۵۶ توسط دکتر فرامرزی رفیع پور در شهر یزد به انجام رسید، در این پژوهش نگرش مسلمانان زردتشتی‌های ساکن در شهر یزد با استفاده از طیف بوگاردوس مورد سنجش و بررسی قرار گرفت. لذا جامعه آماری ازدو بخش زردتشتی‌ها و مسلمانان تشکیل می‌شود که تعداد نمونه آماری زردتشتی‌ها از بین سه روستای زردتشتی نشین با ۹۹ نفر و مسلمانان نیز از بین تعدادی از بازاریان سنتی (بزازها) یزد انتخاب شدند که تعداد آنها ۵۱ نفر بوده است.

معرفی‌های استفاده شده در طیف بوگاردوس بر اساس ارزشهای اجتماعی موجود در برای دو جامعه طراحی و مورد استفاده قرار گرفته اند ضمن آنکه محقق برای حصول اطمینان از میزان روایی سنج‌ها اقدام به استفاده همزمان از تصاویر معرف هرگویه برای اطمینان از درک سنج‌ها توسط پاسخگویان نموده است.

نتایج نشان داد که ۸۰ درصد از مسلمانان با هم محل بودن با زردتشتی‌ها موافقت، ۵۶ درصدشان دوستی با آنان را تأیید می‌کنند، ۴۰ درصد خرید مسلمانان از زردتشتی‌ها را بدون اشکال دانسته، و تنها ۲ درصد ازدواج دختر مسلمان با یک زردتشتی را تأیید نموده اند.

نمونه سوم

" بررسی نگرش شهروندان بومی بندرعباس نسبت به غیربومیها و تاثیر آن بر میزان مشارکت اجتماعی" از دیگر پژوهش‌های بعمل آمده است که توسط نگارنده در قالب پایان نامه کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹ در دانشگاه اصفهان به انجام رسید. در این پژوهش که با روش پیمایشی بابهره گیری از طیف لیکرت به انجام رسید نگرش بومی‌های ساکن در شهر بندرعباس نسبت به غیربومیها مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل جمعیت بومی ساکن در شهر بندرعباس بود که طبق برآوردهای دقیق ۶۰ درصد جمعیت شهر را در تاریخ اجرای پروژه در بر می‌گرفت. حجم نمونه با بهره گیری از فرمول کوکران برآورد گردیده و تعداد ۳۸۰ نفر به روش نمونه گیری خوشه‌ای از مناطق منتخب در شهر مورد مصاحبه قرار گرفتند. این پژوهش بر اساس بهره گیری از نظریه "کنش بخردانه" فیش باین- آیزن و نظریه " میدان اجتماعی" کورت لوین در تبیین نگرشها کوشیده است، محقق همچنین با استناد به نظریه زیمل به بازتعریف مفهوم غیر بومی^۶ پرداخته است. طبق یافته‌های این پژوهش ۶۴ درصد از شهروندان بومی نسبت به شهروندان غیر بومی نگرش مثبت

داشته‌اند همچنین هرچه شهروندان برون‌گراتر باشند نگرش آنها نسبت به غیربومیها مثبت تر خواهد بود در همین راستا فرضیه دیگری نیز مورد آزمون قرار گرفته که نشان می‌دهد هرچه شبکه اجتماعی افراد گسترده تر باشد نگرش آنها به غیر بومیها مثبت تر خواهد بود که نشان از تاثیر تعاملات اجتماعی برون‌گش افراد می‌شود. ($s = -0.21$ sig = 0.059) در این پژوهش همچنین بین متغیرهایی همچون سطح تحصیلات، طبقه اجتماعی شهروندان، و میزان رضایت از زندگی با نگرش آنها نسبت به غیربومیها آزمونهای آماری بعمل آمده است. (اخلاقی پور: ۱۳۷۹)

روش پژوهش

روش پژوهش بنابه ماهیت موضوع که بررسی نگرش شهروندان بندرعباسی نسبت به غیربومی‌های ساکن در شهر است، روش پیمایشی^۷ می‌باشد.

جامعه آماری شامل تمامی شهروندان بومی بندرعباس بوده که در سال ۱۳۸۸ در شهر بندرعباس ساکن بوده‌اند، از آنجائیکه جامعه آماری شهروندان بومی بطور دقیق در سرشماریها ثبت نگردیده است لذا از مجموع جمعیت ساکن در شهر بندرعباس تعداد آنها ۲۷۰ هزار نفر بوده است که ۴۰ درصد آنها را بومیها در برمی‌گیرند.

بر آورد حجم نمونه طبق فرمول کوکران تعداد نمونه آماری در این پژوهش ۱۵۲ نفر بوده است که پس از ارزیابی نهایی پرسشنامه‌های تکمیل شده ۱۴۹ پرسشنامه شرایط لازم برای استخراج را بدست آورد.

در این تحقیق به جهت ناهمگونی افراد جامعه از "روش نمونه گیری خوشه‌ای"^۸ استفاده شده است. بندرعباس دارای مناطق و محله‌های زیادی است لذا در این تحقیق با توجه پراکنش جمعیت در دو منطقه شهری نمونه‌های نهایی از شهروندان بومی حاضر در محلات واقع در هر یک از مناطق شهری به روش خوشه‌ای و در نهایت بطور تصادفی ساده انتخاب گردید.

در این تحقیق از پرسشنامه که یکی از ابزارهای استاندارد محسوب می‌شود، استفاده شده است. پرسشنامه طراحی شده مبتنی بر الگوگیری از "طیف بوگاردوس" در قالب ۷ سوال طراحی شده است که گویه‌ها بر اساس ارزشهای رایج در جامعه بومی - سازی شده‌اند.

جدول شماره ۱. گویه‌های مورد استفاده در طیف و گویه‌های مقیاس بوگاردوس

گویه‌های طیف بوگاردوس	گویه‌های تعدیل شده
حاضریم توسط ازدواج (دخترم با او) نسبت فامیلی با او داشته باشم	رضایت برای ازدواج با او
حاضریم او را در کلپیم به عنوان هم مسلک بپذیریم	حاضریم با او همسفر باشم
حاضریم بعنوان همسایه در یک محله با او زندگی کنم	حاضریم بعنوان همسایه در یک محله با او زندگی کنم
حاضریم در کنار او در یک اداره کار کنم	حاضریم با او بعنوان یک دوست باشم
او را بعنوان هموطن می پذیریم	او را بعنوان یک همشهری می پذیریم
او را فقط بعنوان میهمان در کشورم می پذیریم	او را فقط بعنوان میهمان در شهرم می پذیریم
او باید از کشورمان بیرون برود	او باید از شهرمان بیرون برود

در این طیف تنها گویه چهارم (همکار بودن) در طیف حاضر " دوست بودن" بجای آن قرار گرفته است. با توجه به تعدد قومیت‌های ساکن در شهر بندرعباس بعنوان شهروندان غیر بومی، ۵ گروه قومی و جمعیتی که اکثریت بیشتری را نسبت به سایر گروه‌های قومی دارند انتخاب شدند که در جدول ذیل آمده است.

جدول شماره ۲. اقلیت‌های غیر بومی مورد سنجش

اطلاعات پس از جمع آوری به نرم افزار spss وارد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای حصول از میزان روایی ابزار تحقیق از روایی صوری^۹ و پایانی ابزار تحقیق بابت بهره گیری از ضریب آلفای کرونباخ به مقدار $\alpha=۰.۸۱$ درصد مورد آزمون قرار گرفت.

قومیتها
شیرازی ها
کرمانی ها
یزدی ها
آبادانی ها
شمالی ها

چارچوب مفهومی و نظری

تعریف مفاهیم:

۱. شهروند بومی

در این پژوهش به فردی اطلاق می‌شود که در شهر بندرعباس و یا یکی از شهرستانهای استان متولد شده و در زمان انجام تحقیق در بندرعباس ساکن بوده است.

۲. نگرش

نوعی احساس مثبت یا منفی نسبت به چیزها، افراد و حوادث معین که دربرگیرنده ارزیابی مطلوب یا نامطلوب از آنها باشد. (برکویتز: ۱۳۸۳: ۲۳۹)

۳. فاصله اجتماعی^{۱۰}

به احساسی اطلاق می‌شود که شهروندان علی‌رغم قرابت و مجاورت مکانی و جغرافیایی ممکن است نسبت بهم تعلق خاطر نداشته احساس دوری نمایند.

• نظریه لوئیس ورث^{۱۱}

شاید نتوان انتخاب یک نظریه را در این پژوهش بعنوان چارچوب نظری قلمداد نمود اما دستاویزی علمی برای تحلیل وضعیت یک پدیده بر مبنای مدل تحلیلی و مفهومی یک نظریه حداقل فایده‌ای که به همراه خواهد داشت انتظام بخشیدن به یافته‌های محقق و ارائه درکی روشن تر از موضوع به خوانندگان هر اثر پژوهشی می‌باشد. از اینرو انتخاب نظریه لوئیس ورث بعنوان یک صاحب‌نظر در زمینه زندگی شهری در جامعه شناسی و بویژه تاثیراتی که ایشان از بوگاردوس واضع ابزار سنجش این پژوهش داشته است ما را بر آن داشت تا بجای بهره گیری از دستگاه نظری متشکل از نظریات مختلف از نظریه لوئیس ورث بطور خاص استفاده شود.

استدلال اساسی ورث این بود که ویژگی زندگی شهری، انزوا و بی‌سازمانی اجتماعی است، بدین علت که همه شهرها، بزرگ، متراکم و ناهمگون هستند (سویج، ۱۳۸۰: ۱۳۷).

سه ویژگی مذکور در نظر "ورث" خصایص اصلی شهر هستند، دو مفهوم اول (بزرگی و متراکم بودن) بوم‌شناختی و مفهوم (ناهمگونی) جامعه‌شناسی است، که از دو مفهوم اول استخراج می‌شود. بزرگی یک جامعه باعث افزایش تنوع در جمعیت می‌شود. هرچه جمعیت بزرگتر باشد جداییهای فضایی بر مبنای نژاد، قوم و منزلت بیشتر خواهد شد، تفکیک فضایی در شهر باعث سست شدن پیوندهای همسایگی و احساساتی می‌شود که جوامع کوچک از آن برخوردارند. ضعف شدن این پیوندها باعث تقویت رقابت و ضرورت حضور نظارت رسمی می‌گردد (ممتاز: ۱۳۷۹: ۱۴۰-۱۳۹).

جرج زیمل نیز با رویکردی روانشناختی نسبت به روحیه کسانی که در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند معتقد است در کلان شهرها گروههای وسیع و متعددی در حال فعالیت و کنش و واکنش هستند لیکن هدف آنها سودجویی و انگیزه‌های فردی است. (توسلی: ۱۳۷۰: ۷۲)

ورث چنین بیان می‌کند:

«ارقام انبوه، بیانگر ویژگی‌های مربوط به تنوع و تغییرپذیری فرد، فقدان نسبی آشنایی نزدیک شخصی و قطعه قطعه کردن روابط انسانی است که بسیار ناشناخته، سطحی و گذراست. «تراکم»، متضمن تنوع و تخصص، هماهنگی برخوردار فیزیکی نزدیک و روابط اجتماعی دور، تضادهای درخشان و آشکار، الگویی پیچیده از تفکیک، سلطه نظارت اجتماعی رسمی، و برخورد شدید در میان پدیده‌های دیگر است. ناهمگونی در بدنه محکم و نفوذناپذیر ساختهای اجتماعی شکاف ایجاد می‌کند و باعث تحرک، بی‌ثباتی، ناامنی و وابستگی افراد به گروه‌های اجتماعی درهم و فرعی با تغییرات زیاد و پی در پی اعضا می‌شود. شبکه ارتباط مادی روند جابه‌جایی روابط شخصی را تعقیب می‌کند و نهادها و مؤسسات پاسخگویی به نیازهای توده را بر فرد ترجیح می‌دهند؛ بنابراین، فرد فقط با فعالیت از طریق گروه‌های سازمان‌یافته، مؤثر و کارآمد می‌گردد.» (سویج، ۱۳۸۰: ۱۳۸-۱۳۷).

«بزرگی یک جامعه» پدیده‌های دیگری را نیز به دنبال دارد، محدود شدن روابط خارجی؛ به این معنی که در گروه‌های بزرگ افراد یکدیگر را به خوبی نمی‌شناسند یا تنها بخشی از شخصیت یک فرد را می‌شناسند که با آن در تماس هستند. آشناییهای صمیمی کم می‌شود و تماسهای اجتماعی بریده بریده می‌گردد. کنشهای متقابل در گروه‌های بزرگ ابزاری می‌شود، یعنی افراد بر مبنای اهداف خاص با هم کنش دارند. این خصایص شهر باعث می‌شود که روابط سطحی زودگذر و توأم با گمنامی باشند. در حالی که فرد در این نوع روابط میزانی از آزادی، از قیود روابط شخصی و عاطفی پیدا می‌کند اما از طرف دیگر پیمانهای خود بخود و احساس تعلق و وابستگی و مشارکت نزدیک را از دست می‌دهد. زندگی و کار در کنار جمعیت بزرگی که هیچ نوع پیوند احساسی و عاطفی ندارند، در ضمن حس رقابت و استثمار متقابل را افزایش می‌دهد. در عین حال باعث یک نوع دیدگاه نسبی‌گرا و متحمل می‌گردد، که مبنای پیدایش عقلانیت در جامعه شهری است. اما زندگی جدای افراد از یکدیگر باعث احساس انومی و بی‌سازمانی شخصیتی می‌گردد. در اینجا می‌بینیم که بزرگی جمعیت باعث پیدایش نگرش خاصی به روان‌شناسی اجتماعی شهر شده است (ممتاز، ۱۳۷۹: ۱۴۰).

«تراکم» نیز مورد توجه ورث بوده است و از جمله خصایص منطقه شهری به حساب می‌آید. در شرایط جمعیت متراکم نیاز به تخصصی شدن و تمایز یافتگی بیشتر می‌شود و پیچیدگی ساخت اجتماعی هم به همان ترتیب افزایش پیدا می‌کند تماسهای نزدیک تعداد بی‌شمار فاصله‌ها را در روابط اجتماعی افزایش می‌دهد. محیط شهری رابطه فرد را با اشیاء بیشتر و با طبیعت کمتر می‌کند (همان: ۱۴۱-۱۴۰).

از آنجا که کسانی که در نواحی شهری زندگی می‌کنند معمولاً تحرک زیادی دارند، پیوندهای نسبتاً ضعیفی بین آنها وجود دارد. مردم هر روز در فعالیتهای و وضعیتهای گوناگون فراوانی درگیر می‌شوند «آهنگ زندگی» سریع‌تر از نواحی روستایی است. رقابت بر همکاری چیره است. ورث می‌پذیرد که تراکم زندگی اجتماعی در شهرها به تشکیل محلاتی می‌انجامد که دارای ویژگیهای مشخصی هستند و بعضی از آنها ممکن است ویژگیهای اجتماعات کوچک را حفظ کنند. برای مثال، در نواحی مهاجرنشین انواع ارتباطات سنتی بین خانواده‌ها یافت می‌شود و بیشتر مردم عده زیادی

از مردم دیگر را بر مبنای روابط شخصی می‌شناسند. اما هرچه این گونه نواحی بیشتر در الگوهای وسیع‌تر زندگی شهری جذب می‌شوند، این ویژگیها کمتر باقی می‌ماند (گیدنز، ۱۳۸۱: ۶۰۹).

اندیشه‌های ورث، آن گونه که در خور آنهاست رواج فراوان یافته‌اند. نمونه‌های چیرگی روابط غیر شخصی و رسمی در شهرها و بی توجه بودن ساکنان آنها به کارهای یکدیگر فراوان است. ناهمگونی در نتیجه بزرگی و تراکم جمعیت پدید می‌آید. کنشهای متقابل در جامعه ناهمگون، تمایزهای جامعه ساده را مبدل به قشر بندی بسیار پیچیده می‌کند و ساخت جامعه شهری از نظر قشر بندی با جوامع ساده بسیار متفاوت است. در عین حال میان افراد با سوابق فرهنگی گوناگون منتهی به تنوع و پرورش فکر و پدیده جهان وطنی می‌گردد که خاص جامعه شهری است و باعث تحرک بیشتر جغرافیایی و اجتماعی طبقاتی می‌گردد و فرصتهای بیشتر و گسترده‌تر پدید می‌آید (ممتاز، ۱۳۷۹: ۱۴۲-۱۴۱).

در عین حال در جامعه ناهمگون شهری تولیدات به شکل استاندارد درمی‌آیند و همشکل می‌شوند چون باید جوابگوی نیازهای شهروندان معمولی باشند. وسایل ارتباط جمعی هم‌نگرش کم و بیش مشابهی در میان افراد ایجاد می‌کند. اما روابط اجتماعی غیر مشخص در چهارچوب‌های مشخص واز پیش تعیین شده واقع می‌گردد.

شهری شدن به عنوان دیدگاه تحریبی از سه نقطه نظر مورد بحث قرار دارد.

- ۱- ساخت فیزیکی که متشکل از جمعیت، تکنولوژی و نظم بوم‌شناختی است.
- ۲- نظام سازمانهای اجتماعی که شامل ساخت اجتماعی نهادها و الگوهای روابط اجتماعی معمول می‌گردد.
- ۳- مجموعه‌ای از گرایشها، ایده‌ها و شخصیت های افراد، که در فعالیت های جمعی شهر شرکت می‌کنند و تحت تأثیر مکانیسم - های نظارت اجتماعی قرار می‌گیرند. (ممتاز، ۱۳۷۹: ۱۴۳-۱۴۲)

فاصله اجتماعی

" فاصله اجتماعی " که مورد نظر ورث بود از مطالعات صورت گرفته توسط بوگاردوس سرچشمه می‌گیرد، بوگاردوس جامعه‌شناس پیش از ۱۹۳۰ و در ضمن مطالعه مناسبات بین اشخاص نشان داده است که می‌توان به تعبیر «فاصله اجتماعی» معنی عینی بخشید به این معنی که تجربه نشان می‌دهد که در استعداد افراد برای پیوستن به یکدیگر سلسله مراتبی وجود دارد که از خویشاوندان و بستگان شروع می‌شود و پس از گذشتن از دوستان و آشنایان و همسایگان و همکاران و همشهریان به بیگانگان می‌رسد. (استوتزل، ۱۳۶۸: ۲۹۸).

عوامل مؤثر در تضعیف پیوندهای ساکنان نواحی شهری در نظریه ورث

از آنجا که ورث معتقد است که پیوندهای نسبتاً ضعیفی بین ساکنان نواحی شهر وجود دارد لازم است در اینجا به عواملی که این فرایند را تشدید می‌کنند اشاره‌ای داشته باشیم.

* تقسیم کار مفرط

* افزایش جمعیت شهر

* جدایی‌گزینی مکانهای شهری

* تحرک زیاد (آریان‌پور: ۲۵۳۶:۲۸۶)

هرچند نمی‌توان طبق ارزیابی‌های امروزی از شهرها، "بندرعباس" را بعنوان کلان‌شهر در نظر گرفت، با این حال بر اساس الگوی ورث از شهرگرایی به تراکم بیشتر و ناهمگونی روز افزون دو ویژگی عمده‌ای است که شهر بندرعباس از آن برخوردار است همچنین با توجه به ویژگی‌هایی که جمعیت مهاجر در این شهر دارند، تعدد و تنوع قومی و فرهنگی از یکسو و تفاوت حرفه‌ای در کار و مشاغل باعث گردیده است تا شاهد شکل‌گیری "حصارهای سکونتی" در شهر باشیم (که در این پژوهش به منازل سازمانی اطلاق می‌شود) منازل و مجتمع‌هایی که عمدتاً نیروهای کاری مهاجر در آنها سکونت داشته و بنوعی استقلال مکانی از سایر محلات و جمعیت شهری دارند و تعداد آنها بحدی است که می‌توان شکل‌گیری آن را (به نسبت جمعیت شهر) بدلائل تبعات روانی و اجتماعی بعنوان یک آسیب مورفولوژیک در شهر بندرعباس برشمرد. که ضمن تداعی نوعی جداگذینی منجر به شکل‌گیری احساس استقلال روانی از سایر شهروندان و در نهایت احساس عدم تعلق اجتماعی و در نهایت ایجاد فاصله روانی و اجتماعی بین شهروندان بویژه بومی‌ها با غیربومی‌ها خواهد شد. از سویی دیگر تفاوت‌های فرهنگی ما بین شهروندان بومی با افراد غیربومی ساکن در بندرعباس هرچند تحت تاثیر مولفه‌هایی همچون یکسان‌سازی فرهنگی (که ناشی از تاثیر پذیری از رسانه‌های داخلی و خارجی و تبادل فرهنگی می‌باشد) نسبت به گذشته تعدیل شده است اما با اینحال این تفاوت‌های فرهنگی در بطن خود تکثیر کننده نگرشها و تصورات قالبی^{۱۲} در بین دو گروه از شهروندان است. لذا با بهره‌گیری از منبای نظری لوئیس ورث و واقعیت‌های روانی و محیطی حاکم بر شهر بندرعباس اقدام به طراحی ابزار سنجش و طراحی طیف بوگاردوس نموده ایم. که در آن گویه‌هایی بنا به ارزشهای متداول و ملاحظات محیطی و فرهنگی طراحی شد.

یافته‌های پژوهش

۱. ویژگی‌های نمونه مورد بررسی

پژوهش در بین ۱۴۹ از شهروندان بومی ساکن در شهر بندرعباس به انجام رسیده که ۶۰ درصد آنها را مردان و ۴۰ درصد را زنان شامل می‌شوند. نمونه مورد بررسی در رده سنی ۱۸ تا ۸۹ سال بوده اند و ۷۴٫۵ درصد از نمونه مورد بررسی در سن ۲۶-۴۶ سال قرار داشته اند که فاصله سنی ای است که انسانها را قادر به اظهار نظر و ارزیابی دیگران می‌باشند. به لحاظ سطح تحصیلاتی پاسخگویان، ۳٫۴ درصد آنها بی‌سواد، ۲۲ درصد زیر دیپلم و ۷۸ درصد بالای دیپلم سواد داشته اند که از این میزان ۴۳٫۷ درصد از آنها تحصیلات عالی داشته اند.

با هدف بررسی این مهم که نمونه مورد بررسی سابقه سکونتشان در شهر بندرعباس چند سال است نتایج نشان می‌دهد که تنها ۱٫۸ درصد از نمونه مورد بررسی سابقه سکونت زیر ۸ سال دارند و ۹۸ درصد بیش از ۸ سال سابقه سکونت در شهر بندرعباس دارند که نشان از انتخاب دقیق نمونه‌ها برای

حصول اطمینان از داشتن تجربه لازم زیست اجتماعی در شهر بندرعباس می‌باشد. در پاسخ به این پرسش که در همسایگی شما فرد غیر بومی وجود دارد؟ ۹۴ درصد پاسخ مثبت داده اند یا به عبارتی، نمونه مورد بررسی ۹۴ درصدشان دارای همسایه غیر بومی بوده اند لذا این امر میداند نکته است که نمونه‌های موردمصاحبه دارای تجربه مستقیم تعامل با شهروندان غیر بومی بوده اند، لذا در ارزیابی قضاوتها می‌توان تجربه مستقیم تری را استنباط نمود.

۲. نتایج

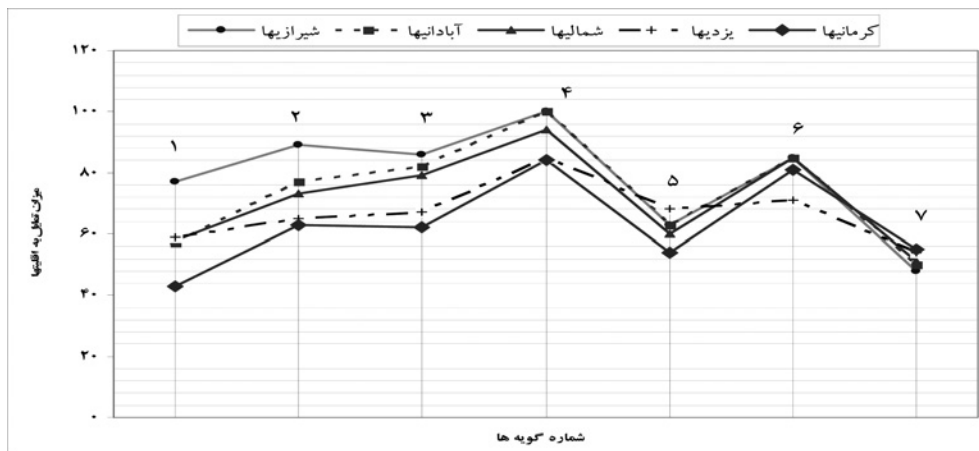
نتایج نسبی مندرج در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که ارزیابی شهروندان بومی نسبت به اقلیت‌های غیر بومی مورد بررسی، مثبت ترین ارزیابی متعلق به «شیرازیها»، و منفی ترین ارزیابی را شهروندان بومی نسبت به اقلیت «کرمانیها» داشته اند.

جدول شماره ۳. نظرات شهروندان بومی درباره ۵ اقلیت قومی در شهر بندرعباس (درصد)

گروه ها قومیتها	نسبت فامیلی با ازدواج با غیر بومیها (۱)	همسر بودن با غیر بومیها (۲)	همسایگی با غیر بومیها (۳)	دوست بودن با غیر بومیها (۴)	همشهری بودن با غیر بومیها (۵)	فقط بعنوان مهمان حاضر به پذیرش غیر بومیها در شهر (۶)	خروج غیر بومیها از شهر (۷)
شیرازی ها	٪۷۷	٪۸۹	٪۸۶	٪۱۰۰	٪۶۳	٪۸۵	٪۴۸
آبادانی ها	٪۵۷	٪۷۷	٪۸۲	٪۱۰۰	٪۶۳	٪۸۵	٪۵۰
شمالی ها	٪۵۸	٪۷۳	٪۷۹	٪۹۴	٪۶۰	٪۸۵	٪۵۱
یزدی ها	٪۵۹	٪۶۵	٪۶۷	٪۸۵	٪۶۸	٪۷۱	٪۵۴
کرمانی ها	٪۴۳	٪۶۳	٪۶۲	٪۸۴	٪۵۴	٪۸۱	٪۵۵
Σ=	٪۵۸۸	٪۷۳۴	٪۷۵۲	٪۹۲۶	٪۶۱۶	٪۸۱۲	٪۵۱۶

پنج گروه اول در طیف بیانگر تمایل شهروندان بومی به اقلیت‌های غیر بومی می‌باشد که بالاترین میزان تمایل از بین این ۵ گروه متعلق به گروه شماره ۴ است. بعبارت دیگر ۹۲٫۶ درصد از پاسخگویان بومی تمایل دارند با غیر بومیها «دوست باشند» که در این رابطه ۱۰۰ درصد شهروندان بومی در این پژوهش مایل به دوست بودن با اقلیت‌های شیرازی و آبادانی‌ها بوده اند. و کمترین میزان تمایل به برقراری نسبت فامیلی از طریق ازدواج با آنهاست و در این رابطه کمترین میزان تمایل ازدواج با کرمانیها و بیشترین تمایل ازدواج با شیرازیها می‌باشد.

نمودار شماره ۱. نوسانات نظرات شهروندان بومی نسبت به پنج اقلیت مختلف



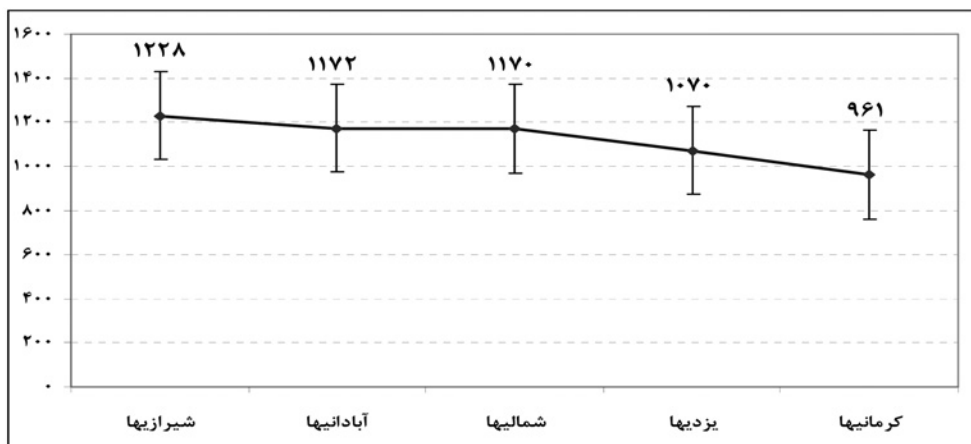
از آنجا که دوگویه ۶ و ۷ عدم تمایل را می‌سنجند و گویه‌های ۱ تا ۵ گرایش مثبت را می‌سنجند لذا برای درک بهتر از نگرش شهروندان بومی نسبت به اقلیت‌های غیربومی ساکن در شهر بندرعباس دوگویه ۶ و ۷ حذف و گویه‌ها در جدول شماره ۴ ضریب بندی شده اند و از این طریق نمره واقعی هریک از اقلیتها بدست آمده است.

جدول شماره ۴. نتیجه استخراج طیف در شهر بندرعباس

شماره گویه	کرمانیها		یزدیها		شمالیها		آبادانیها		شیرازیها	
	درصد	coeff	درصد	coeff	درصد	coeff	درصد	coeff	درصد	Coeff ^{**}
۱	٪۴۳	۴۳	٪۵۹	۵۹	٪۵۸	۵۸	٪۵۷	۵۷	٪۷۷	۷۷
۲	٪۶۳	۱۲۶	٪۶۵	۱۳۰	٪۷۳	۱۴۶	٪۷۷	۱۵۴	٪۸۹	۱۷۸
۳	٪۶۲	۱۸۶	٪۶۷	۲۰۱	٪۷۹	۲۳۷	٪۸۲	۲۴۶	٪۸۶	۲۵۸
۴	٪۸۴	۳۳۶	٪۸۵	۳۴۰	٪۹۴	۳۷۶	٪۱۰۰	۴۰۰	٪۱۰۰	۴۰۰
۵	٪۵۴	۲۷۰	٪۶۸	۳۴۰	٪۶۰	۳۰۰	٪۶۳	۳۱۵	٪۶۳	۳۱۵
$\sum_i =$	۹۶۱		۱۰۷۰		۱۱۷۰		۱۱۷۲		۱۲۲۸	

*ضریب وزن دهی، حاصل ضرب، شماره گویه با درصد افرادی که با آن گویه موافق بوده اند.

نمودار شماره ۲. نمره نهایی میزان تمایل شهروندان به هر یک از اقلیتها



پیشنهادات

شهر بندرعباس بعنوان یکی از شهرهایی که به سرعت در حال توسعه ساختاری می باشد ضمن آنکه بدنبال این تغییر کالبدی که منجر به تقسیم کار و شکل گیری شریانهای تعاملی بیشتر می شود فرهنگ و نیازهای جدیدی را نیز خلق می کند، وابستگی شدید بندرعباس بعنوان مرکز استان به نیروی کار مهاجر تحت تاثیر کارکرد بندرگاهی و نقش چند وجهی آن در کل ساختار اقتصادی کشور باعث گردیده تا شاهد رشد جمعیت و شکل گیری ترکیب فرهنگی و قومی منحصر بفردی در این شهر باشیم که باستثنای تهران بعنوان پای تخت کمتر شهری را با چنین مولفه های پیچیده ای می توان سراغ داشت با این وجود نمی توان از زیاد برد که «شهر نه تنها با فرهنگ و نیازهای مربوط به اسکان، هویت می یابد بلکه فرهنگ نیز ویژگی های مادی (تمدنی) و غیرمادی (روانی، فکری، اخلاقی و...) خود را از شهر می گیرد» (ربانی: ۱۳۸۱: ۲۷)

لذا تصور شهری بدون فرهنگ یعنی بی هویتی شهرو فقدان روح از سویی شکل گیری " جریانهای انسانی" به سمت شهری همچون بندرعباس در قالب نیروهای مهاجر (به هر عنوانی) به دنبال خور جریانهای فرهنگی منبعت از قومیتها و جوامع را بدنبال خود خواهد آورد که این امر بدنبال خود باعث ارائه الگوهای ذهنی و رفتاری متنوعی می گردد که ضمن پنهان نمودن و چه بسا به حاشیه راندن فرهنگ بومی شهر باعث شکل گیری حیات فرهنگی جدیدی گردد.

با این وصف مهندسی فضا در شهر در کنار مهندسی خرده فرهنگها و در نهایت شکل دادن به یک همزیستی فرهنگی از ملزوماتی است در شهری همچون بندرعباس بایستی مدنظر برنامه ریزان و مدیران شهری قرار گیرد، امری که به واقع در سالیان اخیر ضمن توسعه کالبدی و فضایی شهر مغفول مانده است.

- نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نگرشها و تفکرات قالبی علیرغم توسعه و مدرن شدن شهر نسبت به گذشته همچنان تعیین کننده رفتارهای شهروندان می‌باشد.
- در مجموع می‌توان پیشنهادات ذیل را بعنوان راهکارهایی مقدماتی جهت تعدیل نگرشهای شهروندان بومی و غیر بومی بکار برد:
۱. فراهم آوردن امکان مطالعاتی منسجم در حوزه مردم شناسی شهری باهدف شناخت دقیق وضعیت فرهنگی شهر بندرعباس در مرحله رشد و توسعه سریع
 ۲. از آنجائیکه امکان انطباق برای یک فرد غیر بومی تابع امکان شبیه سازی^{۱۳} وی با نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد که بدانجا وارد شده است لذا بر مسئولین و به ویژه رسانه‌هایی همچون شبکه استانی است تا با تدبیر در برنامه ریزی‌های خود وبا تولید برنامه‌هایی مدبرانه اقدام به فراهم سازی این امر نماید.
 ۳. مسئولین فرهنگی و بخصوص مدیران برنامه ریزی شهری و طراحان شهری لازم است تا نوع نگاه خود را به شهر نه بعنوان کالبدی بی روح بلکه بعنوان موجودی ذی روح که در رگهای آن خرده فرهنگها جاری و ساری هستند تغییر دهند.
 ۴. دستگاههای فرهنگی می‌توانند با تولید محصولات متنوع فرهنگی و برپایی نمایشگاهها و جشنواره‌هایی همچون موسیقی، عکس و... نسبت به انتقال عناصر فرهنگی سایر مناطق کشور به شهروندان بومی اقدام نمایند.
 ۵. درمهندسی فضاهای شهری بایستی به نحوی عمل کرد که ضمن لحاظ عناصر زیبا شناختی حداکثر تعاملات اجتماعی در چنین فضاهایی دیده شود.

منابع و مأخذ

- آریان پور، ا، ج، «زمینه جامعه‌شناسی»، تهران: انتشارات فرانکلین، چاپ دهم: ۲۵۳۶.
- اخلاقی پور، منصور، «بررسی نگرش بومیها نسبت به غیربومیها و تاثیر آن بر مشارکت اجتماعی در شهر بندرعباس» پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان: ۱۳۷۹.
- استوتزل، ژان، «روانشناسی اجتماعی»، ترجمه علیمحمدکاردان، انتشارات دانشگاه تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۶۸.
- برکویتز، لئونارد، «روانشناسی اجتماعی» ترجمه حسین فرجاد و عباس محمدی اصل، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ دوم: ۱۳۸۳.
- توسلی، غلامعباس، جامعه‌شناسی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول: ۱۳۷۰.
- ربانی، رسول، جامعه‌شناسی شهری، اصفهان، انتشارات سمت، چاپ اول: ۱۳۸۱.
- رفیع پور، فرامرز، کندوکاوها و پنداشته‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۳.
- گیدنز، آنتونی، «جامعه‌شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ هشتم، ۱۳۸۱.
- ممتاز، فریده «جامعه‌شناسی شهری»، نشر تهران، ۱۳۷۹.

پی‌نویس‌ها

1. Attitudes
2. Subculture
3. Multi- Field
4. Emery s. Bogardus
5. ITEM
6. Stranger
7. Survey
8. Cluster sampling
9. Face Validatiy
10. Social Space
11. Louise wirth
12. Stereotypes
13. Assimilation